

روسای کمیسیون‌های اقتصادی مجلس از اشتباهات تاکتیکی دولت در وضعیت اقتصادی فعلی می‌گویند

تحریم‌ها قابل مدیریت هستند

محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با حضور در برنامه نگاه یک، ضمن اشاره به اینکه تحریم‌ها در تالاطم اقتصادی کنونی کمترین سهم را دارد، گفت: «از ابتدای انقلاب با این تحریم‌ها مواجه بودیم، شدت و ضعف داشت اما متوقف نشده است البته نمی‌توانیم اثرات تحریم را در اقتصاد نادیده بگیریم.» پورابراهیمی با بیان اینکه پس از برجام انتقال خاصی در اقتصاد کشورمان نیفتاده است، افزود: «پس از برجام، ما به توافق عمل کردیم و طرف مقابل هم قرار بود به توافق عمل کند اما از همان روزهای نخست توافق و قبل از دولت ترامپ هم فشارها بر کشور ما زیاد بود و شاهد اقدام مثبتی از طرف مقابل نبودیم و پس از برجام هم مرادوات بانکی ما تحت تاثیر فشار آمریکایی‌ها و سپس اروپایی‌ها بود.»

وی ادامه داد: «فضای کنونی، قابل کنترل و مدیریت است و در برخی موارد هم می‌تواند برای ما فرصتی را فراهم کند.»

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفت: «در دولت، نگاهی که باید به‌عنوان راهبرد مشخص در حوزه اقتصادی در قالب تیم تخصصی انتظار داشته باشیم به شکل مطلوب وجود ندارد و در این بخش دچار چالش هستیم.»

پورابراهیمی با تاکید بر اینکه تیم اقتصادی دولت باید کارآمد، به‌روز و متناسب با شرایط جنگ اقتصادی فعلی باشد، افزود: «اخیرا این موضوع را در قالب نامه‌ای به رئیس جمهور متذکر شده‌ایم.»

وی اضافه کرد: «البته در دولت در هفته و روزهای اخیر، نگاه جدیدی شکل گرفته است و سخنان رئیس جمهور در هفته قبل نقطه عطفی در نگاه دولت به تحریم‌ها بود که امیدواریم عقبه دولت هم با همین نگاه در کنار شخص رئیس جمهور، کابینه و مدیران اقتصادی قرار گیرند.» پورابراهیمی افزود: «سخنان رئیس جمهور باید در آغاز دولت قبل مطرح می‌شد تا دست بالاتری را داشتیم اما امروز هم دیر نیست.» رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس اموال و دارایی‌های مازاد دولت عدد بسیار سنگینی را شامل می‌شود که حتی چندین برابر بودجه سنواتی وبلا استفاده است که درخصوص آن باید تصمیم‌گیری شود و در این باره در شورای عالی هماهنگی اقتصادی قوا بحث شد.

پورابراهیمی افزود: «تدبیر اخیر مقام معظم رهبری در تشکیل شورای عالی هماهنگی اقتصادی قوا، هوشمندانه بود این سرمایه‌بزرگی است که تا کنون نبوده است.» پورابراهیمی با بیان اینکه مصر هستیم بازار ثانویه ارزی شکل بگیرد، افزود: «اگر دولت طرح‌های خود را در قالب لایحه بیاورد بهتر است در غیر این صورت مجبوریم طرح ارائه کنیم.» وی گفت: «حتما باید در تیم اقتصادی دولت تغییراتی انجام شود و این موضوع را پیشنهاد دادیم اما اگر انجام نشود می‌توانیم از ابزارهای مجلس برای این موضوع استفاده کنیم.»

پورابراهیمی افزود: «خبرهایی وجود دارد مبنی بر اینکه نگاه دولت در این زمینه مثبت است و اقداماتی را در این باره انجام خواهد شد.» رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفت: «ثبت نام و پیش فروش سکه به افزایش نرخ سود سپرده‌های بانکی، اقدام‌های نادرست بانک مرکزی بود که به اقتصاد کشور ضربه زد.»

محمدرضا پورابراهیمی افزود: «سازمان امور مالیاتی باید از افرادی که به‌عنوان فعال اقتصادی و حرفه اقدام به خرید و فروش سکه می‌کنند مالیات دریافت کند و این موضوع برای این سازمان مشخص است اما کسانی که می‌خواهند سرمایه‌خود را تبدیل کنند نباید مالیات بدهند.» وی گفت: «برای جلوگیری از افزایش هزینه‌های مردم، دلار ۴۲۰۰ تومانی باید به کالاهای اساسی اختصاص یابد اما برای تشویق صادرکنندگان و رفع بخشی از التهاب‌های نرخ ارز باید بازار ثانویه برای تعیین نرخ ارز شکل بگیرد.»

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس افزود: «سیاست دولت در پایان فورورد مسائل درباره نرخ ثابت ارز آغاز سیاست‌های اشتباه ارزی دولت بود.»

پورابراهیمی گفت: «دولت اعلام کرد برای واردات هر میزان کالا که ثبت شود ارز ۴۲۰۰ تومانی قابل تامین است اما این امکان پذیر نیست و دولت باید می‌گفت فقط به کالاهای اساسی ارز ۴۲۰۰ تومانی اختصاص می‌دهد.»

وی افزود: «اینکه دولت اعلام می‌کند هر رقمی جز رقم ۴۲۰۰ تومان قاچاق است، اقتصاد کشور را قفل می‌کند.»

پورابراهیمی با بیان اینکه کاهش ارزش پول موجب کاهش واردات و افزایش صادرات می‌شود، گفت: «اکنون به دلیل کتمان نرخ دوم ارز از طرف دولت هیچ مزیتی برای صادرات نیست و صادرکنندگان رغبتی برای صادرات ندارند.»

وی افزود: «اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات موجب شده است در سه ماهه اخیر اسال ۲۷ میلیارد دلار ثبت سفارش برای واردات کالا شود.» رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: «دولت باید ارز ۴۲۰۰ تومانی را به واردات کالاهای اساسی اختصاص دهد و تعیین نرخ ارز را در بازار تعادلی مشخص کند.»

در ادامه این برنامه غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون برنامه‌بودجه مجلس با اشاره به اینکه اقتصاد کشورمان در بخش‌هایی دچار بیماری است، افزود: «مهم‌ترین وجهی که این روزها اقتصاد را متلاطم کرده، حجم نقدینگی در جامعه است و مردمی که نقدینگی دارند نسبت به ثروت خود نگران هستند.»

وی با اشاره به اینکه این حجم نقدینگی، رنک‌خطری برای اقتصاد کشور است، اضافه کرد: «با بروز مسائل جدید سیاسی در عرصه بین الملل و داشتن تاکتیک مناسب برای شرایط جدید که قابل پیش‌بینی بود، شرایط خاصی به وجود آمده است.»

تاجگردون با بیان اینکه مردم ایران سال هاست که تورم و انواع تحریم‌ها را دیده‌اند، گفت: «مردم نسبت به شرایط، ناامیدان و نگران از دست دادن ثروت‌شان هستند، به همین علت حجم نقدینگی تکان خورد و از حفره‌های اقتصادی بیرون زد؛ البته در گذشته نیز چنین موقعیت‌هایی را داشتیم و ضربه خوردیم.»

وی با اشاره به اینکه نسبت به این موضوع واکنش سریع نداشتیم و این حجم نقدینگی متلاطم شد، افزود: «اگر نظام اقتصادی کشور نتواند جایگزین مناسبی را برای تبدیل دارایی‌های مردم به ارز و سکه مطرح کند، با تالاطم‌های متعدد در اقتصاد کشور مواجه می‌شویم.» تاجگردون با بیان اینکه هم عامل روانی و سیاسی و هم ریشه‌های اقتصادی در التهابات اخیر اقتصادی، سهم‌دارند، افزود: «سال‌هایی که درآمد نمتی ما پایین تر بود، رشد اقتصادی و خوداتکایی ما بیشتر بود.» تاجگردون با تاکید بر اینکه همه جناح‌های مجلس، پشت سر دولت هستند، گفت: «باید سیاست‌هایمان را به گونه‌ای تنظیم کنیم که مردم احساس کنند مسئولان دغدغه دارند تا ثروت مردم کم نشود.» تاجگردون، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی گفت: «اشتباه دولت این بود که اعلام کرد به هر کس بخواهد ارز ۴۲۰۰ تومانی می‌دهد در حالی که این ارز باید برای کالاهای مورد نیاز استفاده شود.» وی افزود: «زمانی که صادرکننده از حاصل از صادرات خود را باید به دولت بدهد و در قبال آن ۴۲۰۰ تومان دریافت کند به دلیل واقعی نبودن این نرخ در اقتصاد کشور صادرکننده صادرات را متوقف می‌کند.»

طی روزهای گذشته جدیدترین بیانیه FATF منتشر شد؛ بیانیه‌ای که به‌طور

مرسوم در انتهای هر یک از نشست‌های این نهاد بین‌الدولی صادر می‌شود و بیانگر تصمیماتی است که در آن نشست اخذ شده است.
آنطور که در این بیانیه آمده، مقرر شده تعلیق ایران از لیست سیاه این نهاد مالی همچنان ادامه یابد؛ تعلیقی که از تابستان سال ۹۵ آغاز شده و حالا قرار است تا نشست بعدی که در ماه اکتبر (آبان‌ماه) برگزار می‌شود، ادامه یابد.

حقیقت FATF درباره ایران به استمرار وضع موجود حکم داده و البته تصریح کرده که ایران در ماه‌های آتی به‌طور مشخص باید ۹ اقدام را در دستور کار قرار دهد تا خلأهای استراتژیک در مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم برطرف شود؛ اقداماتی که پیش از این نیز در بیانیه قبلی که در اسفند ۹۶ صادر شد، به آنها اشاره شده بود.

گروه ویژه اقدام مالی همچنین به‌طور جدی از دولتمردان ایرانی خواسته قوانین و لوایحی که در مجلس در حال بررسی است، به‌طور جدی پیگیری شوند و هرچه زودتر به نتیجه برسند؛ لویحی که دو مورد از آنها مربوط به قوانین داخلی بوده و مورد دیگر نیز در ارتباط با پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی شامل کنوانسیون پالرمو و کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم هستند.

فارغ از منافات برخی رهنمودهای گروه ویژه اقدام مالی با قانون اساسی، نظیر حذف گروه‌هایی که برای «پایان دادن به اشغال خارجی، استثمار و نژادپرستی تلاش می‌کنند» از معافیت اعلام‌تأمین مالی تروریسم، تا اینچنان‌کنکه مهم‌ان است که FATF از تصمیمی کلان و راهبردی قصد دارد همچنان این مسیر را با ایران ادامه دهد و از آن قطع امید نکند. نباید فراموش کرد که پیش از این برخی قائل به آن بودند که به دلیل تکمیل نشدن اقدامات مورد نظر این گروه ویژه FATF به احتمال فراوان ایران را به لیست سیاه باز می‌گرداند.

هرچند این تحلیل از همان ابتدا هم تا حد زیادی با واقعیت فاصله داشت، چراکه از ۴۱ بندی که در سال ۹۵ در برنامه اقدام برای ایران در نظر گرفته شد، ایران تاکنون ۳۴ اقدام را انجام داده و این ادعایی است که خود FATF بر آن تصریح کرده است. روشن است که تنها ۹ اقدام باقی مانده و بر این اساس بدیهی است که اساسا برگشتن به لیست سیاه منطقی نیست.

ضمن آنکه باید در نظر داشت، یک نهاد صرفا فنی نیست که تصمیمات آن براساس معادلات فنی باشد، بلکه گروه ویژه اقدام مالی اساسا یک نهاد سیاسی بوده و بر این مبنا هم رفتار و هم اهداف سیاسی دارد. از این روتی می‌توان گفت دور از ذهن نیست که تصمیم FATF برای ادامه بازی با ایران بی ارتباط با اقدامات آمریکا باشد.

آمریکایی‌ها در تلاشند که همه تحریم‌ها را به‌طور جدی بازگردانند، موضوعی که نیاز به اثبات نداشته و شاهد زیادی دال بر آن وجود دارد. این در حالی است که تصمیم FATF با این سیاست همخوانی ندارد؛ یعنی اگر بنای آمریکا بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران باشد، این انتظار وجود داشت که ایران به لیست سیاه FATF

بازگردد. با این حال چنین اتفاقی نیفتاد و همین موضوع تا حد زیادی محل تأمل است.

تعیین یک بازه زمانی چهارماهه برای ایران جهت برداشتن گام‌های باقیمانده احتمالا تحولاتی را در داخل کشور نیز به همراه خواهد داشت. به بیان دقیق‌تر، این انتظار وجود دارد که فشار جریان طرفدار پیوستن ایران به FATF - اعم از دولت و برخی از جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای - روی مجلس و شورای نگهبان شدیدتر از قبل شود؛ فشاری که مشخصا تصویب هرچه سریع‌تر لوایح چهارگانه با همان مختصات مورد نظر FATF را دنبال می‌کند.

در چنین فضایی باید منتظر بود برخی از همین روزها فضا سازی‌ها را برای تصویب و نهایی شدن لوایح مورد اشاره آغاز کنند و جامعه را به این سمت سوق دهند که در صورت تعلل در این ارتباط، ایران بار دیگر به لیست سیاه بازخواهد گشت و مرادوات بانکی دچار اختلال خواهد شد؛ موضوعی که مسئولیت مستقیم عواقب آن متوجه نمایندگان مجلس و شورای نگهبان خواهد بود.

همین مساله هوشیاری دوچندان نمایندگان، شورای نگهبان و رسانه‌ها را می‌طلبد.
در این میان یکی از سوالات اساسی که حامیان پیوستن ایران به گروه ویژه اقدام مالی باید به آن پاسخ دهند این است که به‌طور واقعی، بهبود روابط با FATF بر روابط بانکی چه تأثیری دارد؟ به هر روی در این رابطه تجربه‌ای ملموس و در دسترس وجود دارد. جمهوری اسلامی ایران تا سال ۹۵ در لیست سیاه FATF بود و از این مقطع، به لیست خاکستری منتقل شد. با این وصف مناسب است که بانک مرکزی و جریان طرفدار FATF جهت‌تغییر افکار عمومی، به‌صورت‌روشن تبیین کنند که در این دو سال روابط بانکی ما چه میزان بهبود یافته‌ و در این میان FATF چقدر تاثیرگذار بوده است؟ به بیان دقیق‌تر در این مدت مشخصا چه بهبودی حاصل

شده بود که با بازگشت به لیست سیاه وضع بدتر شود. لازم به یادآوری است تاکنون هر بهبودی به هر میزان که حاصل شده، عملا به نام برجام نوشته شد. بنا به ادعای بانک مرکزی، ایران در دو سال گذشته با ۲۷۰ بانک روابط کارگزاری برقرار کرده و طبق گزارش‌هایی که وزارت امور خارجه در این مدت ارائه داده، این موضوع نتیجه برجام بوده است. با وجود این، چنانچه خدش‌ای به این گزارش‌ها وارد است، باید به صورت رسمی اعلام شود. بدیهی است که عضویت در یک معاهده بین‌المللی همچون FATF برای ما هزینه‌های سیاسی و حقوقی قابل توجهی نیز به همراه خواهد داشت. آمریکا بیش از ۲۰ سال است که جمهوری اسلامی ایران و بسیاری از نهادهای حاکمیتی آن را به‌عنوان حامی تروریسم معرفی کرده و آنها را مورد تحریم قرار داده است؛ تحریم‌هایی که بخش‌های قابل توجهی از اروپا نیز از آنها تبعیت کرده و اخیرا کشورهای حاشیه خلیج فارس هم به آنها پیوسته‌اند. در چنین فضایی که ایران تحت شدیدترین اتهامات قرار دارد، باز کردن راهی برای خارجی‌ها در کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم جهت مطالبه حقوقی از کشور و هموار کردن مسیر برای طرح شکایت از ایران در مجامع بین‌المللی، هزینه‌ای است که به‌خود تحمیل می‌کنیم؛ هزینه‌ای که هنوز معلوم نیست قرار است مابه‌ازای آن چه چیزی را به دست آوریم؟

خصوصا در شرایطی که ایران تحت تحریم‌های بانکی آمریکا قرار دارد و همین باعث شده که شرایط کشور با وضعیت عادی سایر کشورها متفاوت باشد. به عبارت دیگر، شاید برای کشوری که تحت تحریم‌های آمریکا نباشد، بودن یا نبودن در لیست سیاه FATF مهم باشد، اما برای ایران که شدیدترین ممنوعیت‌های بانکی علیه آن اعمال شده، چندان حائز اهمیت نیست. معنای دقیق‌تر این مفهوم آن است که حتی اگر جمهوری اسلامی ایران ۹ اقدام باقیمانده را نیز به‌صورت کامل

می‌شود.

وضعیت عادی سایر کشورها متفاوت باشد. به عبارت

دیگر، شاید برای کشوری که تحت تحریم‌های آمریکا

نباشد، بودن یا نبودن در لیست سیاه FATF مهم باشد،

اما برای ایران که شدیدترین ممنوعیت‌های بانکی علیه

آن اعمال شده، چندان حائز اهمیت نیست. معنای

دقیق‌تر این مفهوم آن است که حتی اگر جمهوری

اسلامی ایران ۹ اقدام باقیمانده را نیز به‌صورت کامل

می‌شود.

وضعیت عادی سایر کشورها متفاوت باشد. به عبارت

دیگر، شاید برای کشوری که تحت تحریم‌های آمریکا

نباشد، بودن یا نبودن در لیست سیاه FATF مهم باشد،

اما برای ایران که شدیدترین ممنوعیت‌های بانکی علیه

آن اعمال شده، چندان حائز اهمیت نیست. معنای

دقیق‌تر این مفهوم آن است که حتی اگر جمهوری

اسلامی ایران ۹ اقدام باقیمانده را نیز به‌صورت کامل

می‌شود.

وضعیت عادی سایر کشورها متفاوت باشد. به عبارت

دیگر، شاید برای کشوری که تحت تحریم‌های آمریکا

نباشد، بودن یا نبودن در لیست سیاه FATF مهم باشد،

اما برای ایران که شدیدترین ممنوعیت‌های بانکی علیه

آن اعمال شده، چندان حائز اهمیت نیست. معنای

دقیق‌تر این مفهوم آن است که حتی اگر جمهوری

اسلامی ایران ۹ اقدام باقیمانده را نیز به‌صورت کامل

می‌شود.

گروه ویژه اقدام مالی تعلیق ایران از لیست سیاه را ۴ ماه دیگر تمدید کرد

بازی‌ای که به‌نظر می‌رسد بی ارتباط با طراحی آمریکا برای تحریم و خودتحریمی به صورت توأمان نیست

چرا FATF ایران را به لیست سیاه بازنگرداند؟



به اجرا درآورد، در شرایط تحریم، اساسا خروج از لیست سیاه یا بازگشت به آن فاقد موضوعیت بوده و این دو وضعیت برای متفاوتی باهم ندارند، چرا که متغیر اصلی این معادله تحریم بوده و این متغیر است که روی همه چیز سایه انداخته است.

مضاف بر آن این سوال هنوز بی پاسخ مانده که اگر همه اقدامات مسودر نظر گروه ویژه اقدام مالی موبه‌موا اجرا شوند، اساسا چه تضمینی وجود دارد که ایران از لیست خاکستری خارج شده و شرایط آن عادی شود؟ FATF تا امروز هیچ قولی در این زمینه نداده و هیچ صراحتی در این باره وجود ندارد.

بر این اساس در این موضوع حتی منطق هزینه-فایده نیز بلاموضوع است، چرا که به‌رغم روشن بودن هزینه‌های عدیده پیوستن به FATF که پیش از این بارها تبیین شده و شرح‌شان از حوصله این گزارش خارج است، فایده‌ان کاملاً نامشخص است و اساسا نمی‌توان آن را با ایستادگی در برابر آن مقایسه کرد.

فضاسازی‌های سیاسی و غیرکارشناسی جهت پیوستن کشور به یک معاهده بین‌المللی البته پیش از این نیز مسبوق به سابقه بوده، که برجام نمونه عینی همین ماجرا است. تا پیش از انعقاد توافق هسته‌ای، تقریبا همه مشکلات و کاستی‌ها در کشور به پذیرش و اجرای برجام، رفع تحریم‌ها و بهبود روابط بانکی منوط می‌شد. با این حال بعد از برجام، جهت‌گیری‌ها تغییر کرد و فرمان بحاله مشکلات از برجام به FATF چرخید و روز از نو، روزی از نو.

بر پایه این واقعیات باید گفت شاید اگر دست‌اندرکاران امر به جای پرداختن به توجیهات دلخوش‌کننده و غیرواقعی، روی موارد راهبردی نظیر پیمان‌های پولی دو جانبه، توسعه ظرفیت پرداخت ریال و ... متمرکز می‌شدند و انرژی خود را صرف این امور می‌کردند، کشور در دوسالی که گذشت، خیلی جلوتر از اینها بود.

وضعیت عادی سایر کشورها متفاوت باشد. به عبارت

دیگر، شاید برای کشوری که تحت تحریم‌های آمریکا

نباشد، بودن یا نبودن در لیست سیاه FATF مهم باشد،

اما برای ایران که شدیدترین ممنوعیت‌های بانکی علیه

آن اعمال شده، چندان حائز اهمیت نیست. معنای

دقیق‌تر این مفهوم آن است که حتی اگر جمهوری

اسلامی ایران ۹ اقدام باقیمانده را نیز به‌صورت کامل

می‌شود.

وضعیت عادی سایر کشورها متفاوت باشد. به عبارت

دیگر، شاید برای کشوری که تحت تحریم‌های آمریکا

نباشد، بودن یا نبودن در لیست سیاه FATF مهم باشد،

اما برای ایران که شدیدترین ممنوعیت‌های بانکی علیه

آن اعمال شده، چندان حائز اهمیت نیست. معنای

دقیق‌تر این مفهوم آن است که حتی اگر جمهوری

اسلامی ایران ۹ اقدام باقیمانده را نیز به‌صورت کامل

می‌شود.

وضعیت عادی سایر کشورها متفاوت باشد. به عبارت

دیگر، شاید برای کشوری که تحت تحریم‌های آمریکا

نباشد، بودن یا نبودن در لیست سیاه FATF مهم باشد،

اما برای ایران که شدیدترین ممنوعیت‌های بانکی علیه

آن اعمال شده، چندان حائز اهمیت نیست. معنای

دقیق‌تر این مفهوم آن است که حتی اگر جمهوری

اسلامی ایران ۹ اقدام باقیمانده را نیز به‌صورت کامل

می‌شود.

وضعیت عادی سایر کشورها متفاوت باشد. به عبارت

درنگ

کمیل نقی‌پور کارشناس مسائل هسته‌ای

با گذشت حدود سه سال از توافق برجام زوایای

جدیدی از این توافق

پرنکته مشخص می‌شود. یکی از مسائلی که مکررا

هست‌ای ایران به‌عنوان امتیاز اساسی برجام یاد

می‌شد، لغو قطعنامه‌های فصل هفتمی شورای

امنیت در نتیجه قطعنامه ۲۲۳۱ به‌عنوان یکی از

سندهای ضمیمه‌ای مذاکرات هسته‌ای بوده است.

به‌عنوان مثال رئیس جمهور اسفند سال ۱۳۹۵

در این باره گفته بود: «اصلا فرض کنیم برجام

کاری نکرده و تحریم‌ها را از بین نبرده است، اما

قطعنامه‌های فصل هفتم شورای امنیت بدون اینکه

حتی یک ساعت آن را اجرا کنیم، برای اولین بار در

تاریخ سیاسی ایران لغو کرده است، هیچ کشوری

نبوده که او را به فصل هفتم منشور سازمان ملل

بکشاند و قطعنامه علیه او تصویب کنند؛ مگر اینکه

بیان کشور را سرنگون کرده یا جنگ بر او تحمیل

کردند.

برای بررسی این ادعا باید به قطعنامه ۲۲۳۱ نگاه

انداخت. در قسمت‌های ابتدایی قطعنامه ۲۲۳۱،

به صورت مشروط، مفاد قطعنامه‌های پیشین این

شورا علیه ایران را که ذیل بند هفتم منشور ملل

متحد صادر شده‌اند، لغو می‌شود اما در ادامه این

بین‌المللی انرژی اتمی مشروط شده است. در

متن قطعنامه به‌صراحت اعلام شده است که لغو

مفاد قطعنامه‌های گذشته زمانی صورت می‌گیرد

که شورای امنیت «گزارش» مدیرکل در مورد اجرای

تعهدات ایران را دریافت کرده باشد.

در پیش‌نویس قطعنامه در مورد لغو مفاد توافقات

پیشین از یوکیا آمانو، مدیرکل آژانس بین‌المللی

انرژی اتمی خواسته شده «بلافاصله پس از اطمینان

از اینکه اقدامات مشخص شده در پاراگراف‌های

۱۵/۱ تا ۱۵/۱۱ ضمیمه پنجم برجام توسط ایران

اجرای شد، گزارشی درخصوص تایید این اقدامات

به شورای حکام و شورای امنیت ارائه کند.»

با نگاهی به ضمیمه پنجم برجام، مشخص است

که منظور از پاراگراف‌های ۱۵/۱ تا ۱۵/۱۱ تعدادتی

است که ایران برای محدود کردن برنامه هسته‌ای

خود از جمله کاهش ذخایر اورانیوم، کاهش شمار

سانتریفیوژهای فعال، اصلاح راکتور اراک و تغییر

